

روزی ننهاده !

بنگر به روز خود که کجایی و کیستی !
در دام روزگار گرفتار چیستی !

یک لحظه نیست فرصت بودن در این جهان
از راه نارسیده توگوئی که نیستی !

روزی نا نهاده کسی را نمی دهند
عمری بدین امید عبث گر که زیستی !

سودت چه بوده زین همه مستی و کبر و ناز
بر عمر رفته گر ز ندامت گریستی !

جز داغ حسرتی نبری زین سرای درد
ور خود فرشته ای و اگر هم پریستی !

تا فرصتی است لذت بودن غنیمت است
هشدار، در زمانه نه چندان بایستی !

رضا شاپوریان
سه شنبه ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۸